

دکتر مجید حائری

## کیفیات مخففه

کیفیات مخففه بطوریکه از اشمس مستفاد میگردد کیفیت و حیاتی است که سبب تخفیف مجازات مجرم شده و از شدت مجازاتها میکاهد و بطور عادی سن، خانواده، نداشتن سابقه، جوانی یا پیری، و بسیاری کیفیت مربوط بفاعل یا مجنی علیه و طرز ارتکاب و زمان و مکان ارتکاب را بعنوان جزو کیفیت مخففه دانست این مهت بقاضی اجازه میدهد گاه برای حفظ احساسات جامعه و تخفیف شدت بی تناسب قانون در موارد خاص مجرم را بکمتر از مجازاتی که در قانون تصریح شده مجازات نماید و ثابت شده است و انگزاری این اختیار بقضات موجب رضایت خاطر افراد جامعه بوده و افکار عمومی آنرا باخوشی تلقی کرده است. بخصوص در جامعه ای که فرد مورد توجه و دقت است (Individualisme) رعایت کیفیت مخففه لازم و ضروریست. نباید تصور کرد که این کیفیت در مواد قانون ذکر شده است (اگرچه در بعضی از قوانین جزائی صریحاً کیفیت مخففه را شماره نموده اند ولی دامنه این شماره آنقدر وسیع است که دست قاضی در هر مورد برای انطباق با آن موارد مصرحه باز است

« قانون مجازات اطریش - شیلی و استانبول » بلکه بعکس برای آنکه هر شخص بتواند از این اختیار استفاده کند با احساسات و عقل و منطق قاضی واگذار شده است ممکن است تبادر بذهن گردد با وجود کیفیات و معاذیر قانونی که در قانون پیش بینی شده است و در موارد خاص که مقنن نظر مساعد داشته است تخفیف مجازات را صریحا در ماده مربوطه ذکر نموده و واگذاری این اختیار بقاضی زائد است ولی با توجه باینکه در بعضی موارد قانون پیش بینی تخفیف را ننموده و با اینحال موجباتی موجود است که ایجاب تخفیف را مینماید و چنانچه قاضی چنین اختیار نداشته باشد ممکن است مجرم را تبرئه نماید وجود این اختیار لازم و ضروری بنظر میرسد .

از آنچه ذکر شد نتیجه میشود که این اختیار و مبحث شبیه معاذیر قانونی (۱) است ولی از جهت عدم ذکر جهات و موارد خاص با معاذیر قانونی اختلاف دارد اینک بی مناسبت نیست تاریخچه این مبحث را ذکر کنیم :

تاریخچه - بطور کلی همه میدانند که در قوانین و حقوق جزای ادوار قدیم این مبحث وجود نداشته و مورد توجه هم نبوده است و بعکس همواره سعی میشد مجرمین هر چه ممکن است شدیدتر مجازات شوند و بهمین علت بود که مجازات فاقد حداقل و حداکثر بود و تا قرون وسطی این روش شدید ادامه داشت و مجازات ثابت (Fixe) بقوت خود باقی بود .

اولین اثر و نمونه این کیفیات و نظریه تخفیف مجازات و واگذاری اختیار بقاضی بوسیله تعیین حد اقل و حد اکثر مجازات بروز و ظهور کرد با اینهمه اختیار

(۱) - معاذیر قانونی که گاهی سبب معافیت از مجازات و زمانی سبب تخفیف در مجازات میگردد عبارت از مواردی است که در مواد مربوطه قانون ذکر شده است مثل گذشت شاکی خصوصی در مواردی که بگذشت شاکی جرم تعقیب نخواهد شد و یا آزاد کردن شخص توقیف شده غیر قانونی (ماده ۱۹۳ قانون مجازات) مشروط بر اینکه زائد بر پنج روز در بازداشت نباشد (ترجمه ماده ۱۱۴ قانون مجازات فرانسه) و غیره

تنزل از حداقل بقاضی داده نشد (قانون مجازات فرانسه مصوب ۱۶۹۷)

در قوانین جزایی دیگر مصوب قرون اخیر با آنکه مبحث کیفیات مخففه مورد قبول مقننین واقع گردید ولی برای آن شرایطی وضع نمودند (قانون مجازات فرانسه مصوب سال ۱۸۱۰ که حدود کیفیات مخففه محدود بموارد و جرائم خاص بود که تنها بامور جنحه آنها مشروط بر آنکه خسارت ناشی از جرم زائد بر ۲۵ فرانک نباشد) اختصاص داشت.

بعداً اختیار قاضی در رعایت کیفیات مخففه روز بروز وسعت یافت تا پایه امروزی رسید که جز در موارد مخصوص که قانون رعایت آنها منع نموده است نسبت بتمام افراد در تمام دادگاهها و تمام جرائم میتوان رعایت کرد.

(قانون ۲۵ ژوئن ۱۸۲۴ ملحقه بقانون مجازات فرانسه اختیار قاضی را وسیع تر نمود و از جنحه بعضی جنایات بالابرد از قبیل بچه کشی Incatide بوسیله مادر و ضرب و جرحی که موجب سلب قدرت کار کردن زائد بر ۲۰ روز شود و دزدیهای جنایی این توسعه بازهم رضایت استادان حقوق را کاملاً فراهم نکرد تا آنکه در قانون ۲۸ آوریل ۱۸۳۲ دامنه کیفیات مخففه بتمام جنایات و جنحه‌هایی که در قانون مجازات عمومی ذکر شده کشیده شد و در امور جنایی این اختیار که بموجب قانون نخست بقضات دادگاه جنایی واگذار شده بود نه بهیئت منصفه از قضات سلب و بهیئت منصفه (Jurys) واگذار گردید و هیئت منصفه در تحت تأثیر عوامل انقلاب و غیره بیش از حد از این اختیار استفاده کرده و مجرمین را تبرئه میکردند که یکی از حقوق دانان (آقای لوبادا Lobdat مدعی العموم) آن دوره را دوره بحران مجازات نامید.

### کیفیات مخففه در قانون مجازات ایران

در قانون مجازات ایران هندانون مجازات فرانسه و بلژیک کیفیات مخففه

باختیار و استنباط قاضی گذاشته شده است و ماده ۴۴ مقرر میدارد:

« در موارد جنایات در صورتیکه مطابق این قانون اوضاع و احوال قضیه مقتضی

تخفیف مجازات باشد هیئت حاکمه میتواند...»

که در این ماده طرز تخفیف مجازات را در امور جنائی ذکر شده است و ماده

۴۵ مربوط با مور جنحه است:

« در موارد جنحه اگر اوضاع و احوال قضیه مقتضی بتخفیف باشد محکمه

میتواند...»

بطوریکه ملاحظه میشود در دو ماده فوق الذکر که راجع بیک موضوع است

اختلافات کوچکی وجود دارد.

در ماده ۴۴ جمله (مطابق این قانون) ذکر شده است و علت ذکر این جمله آن

بود که در قوانین مجازاتی دیگر قابل استناد نباشد باین معنی که منظور مقنن تنها

رعایت این ماده در قانون مجازات عمومی میباشد نه سایر قوانین و تخفیف جنایات

پیش بینی شده در سایر قوانین با استناد ماده ۴۴ صحیح نیست مگر آنکه در آن قوانین

صریحاً ذکر شده باشد در صورتیکه از اطلاق ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی استفاده

میکردد که از ماده مزبور میتوان در تمام قوانین جزائی استفاده کرد هر چند در قوانین

دیگر صریحاً رعایت ماده ۴۵ ذکر نشده باشد

اختلاف دیگر دو ماده راجع به «هیئت حاکمه» مندرج در ماده ۴۴ و کلمه «محکمه»

مذکور در ماده ۴۵ است که چون در امور جنائی دادگاه از چند قاضی تشکیل میگردد

و بعلاوه ممکن است بعداً هیئت منصفه انتخاب بشود جمله مزبور در ماده ۴۴ ذکر

شده است تا شامل تمام آنان گردد.

در هر صورت بطوریکه توجه شد اوضاع و احوالی که مقتضی تخفیف باشد

در مواد فوق الذکر تصریح نشده و بنظر قضات گذاشته شده است باینحال علمای حقوق

کیفیات مخففه را بسته نوع تقسیم میکنند :

۱- اعمالی که در موقع ارتکاب جرم انجام شده .

۲- پیشینه فاعل .

۳- کیفیات بعد از جرم .

که توجه قاضی بسته موضوع فوق لازم است باین شرح که حالت مجرم در موقع ارتکاب و اینکه آیا در نتیجه عملیات و سخنان مجنی علیه یا دیگری اعصابش از حال عادی خارج گشته یا خیر و آیا سابقه دارد یا نه و چه اقداماتی پس از اتمام جرم بعمل آورده است ، آیا پشیمان است؟ آیا در صدد جبران خسارات مجنی علیه برآمده باید مورد نظر قاضی قرار گیرد .

امروز قاضی مجبور نیست در حکم خود بطور مدلل وجود کیفیات مخففه را ذکر نماید و در اطراف صحت و سقم آن تحقیق بعمل آورد بلکه در صورت استنباط بر اینکه اوضاع و احوال اقتضای تخفیف را دارد میتواند مجازات را تخفیف دهد زیرا منظور از واگذاری این اختیار بقاضی تعدیل شدت قانون بوده است .

در ادوار گذشته پس از اینکه کثرت استفاده از این اختیار ایجاد (بحران مجازات) نمود علمای حقوق بردو دسته شدند ، عده ای معتقد بودند که بایستی بقضات اختیار وسیعتری داده شود و این اختیار از هیئت منصفه سلب گردد و عده ای دیگر اظهار نظر نمودند که کیفیات مخففه را محدود سازند وقضات ملزم باشند علل مخففه را در دادنامه ذکر نمایند و حتی در بعضی موارد ( تکرار جرم ) این اختیار اصولاً از قاضی سلب گردد . این نظریه طرفداران بیشتری پیدا کرد و در سال ۱۸۶۳ در فرانسه راجع بامور جنحه لازم الرعایه شد ولی در سال ۱۸۷۰ قانون اخیر نسخ گردید .

اکنون باید ملاحظه کرد شرایط رعایت این اختیار کدام است .

این شرایط گاه مربوط بجرم است و گاه بشخص مجرم وزمانی مربوط بدادگاه

که در اطراف هر يك توضیح داده میشود .

### ۱- شرایط مربوط بجرم

بطوریکه از قانون مجازات عمومی (ماده ۴۴ و ۴۵) مستفاد میگردد فعلا کیفیات مخففه در تمام جرائم اعم از جنحه و جنایت قابل رعایت است ولی در امور خلافی ذکرى از تخفیف مجازات نشده است.

نکته ای که قابل ذکر است جمله (مطابن این قانون) مندرج در ماده ۴۴ قانون مجازات ممکن است چنین تعبیر گردد که رعایت ماده مزبور تنها در جنایاتی که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است امکان دارد و در خصوص سایر قوانین چنانچه صریحا ذکر نشده باشد نمیتوان باین ماده استناد کرد .

تصور میرود علت ذکر جمله مزبور در ماده ۴۴ آنست که در قانون مجازات فرانسه چنین بوده که در ماده ۴۶۳ قانون مجازات مربوط بکیفیات مخففه را منحصر بجنایات مذکور در قانون مجازات عمومی نموده بود و بهمین سبب در قوانین دیگر مثل قانون ارتش بری مصوب سال ۱۹۲۸ ماده ۲۵۲ و قانون ارتش بحری مصوب ۱۹۳۸ ماده ۲۵۵ صریحا ذکر شد که کیفیات مخففه قابل استناد است و بهمین علت چون توهم میرفت که ماده ۴۴ و ۴۵ و ۴۵ مکرر قانون مجازات ایران در قانون دادرسی ارتش مصوب دیماه ۱۳۱۸ قابل تسری نیست در آن قانون موادی برای قابل رعایت بودن این مواد پیش بینی شد.

«ماده ۴۱۳ - اشخاصیکه بدادگاه نظامی جاب میشوند اگر نظامی و همردیف نظامی نباشند دادگاه در صورت وجود علل مخففه میتوانند مقررات مواد ۴۴ و ۴۵ و ۴۵ مکرر قانون کیفر عمومی را درباره آنها مجری دارند .

اکنون ممکن است تصور شود که باتصریح کلمه (جنایت) در ماده ۴۱۴ در امور

جناحه دادگاه نظامی نمیتواند مقررات مواد ۴۵ و ۴۵ مکرر را نسبت بمتهمین نظامی رعایت نماید ولی بطوریکه قبلاً ذکر شد مواد ۴۵ و ۴۵ مکرر اطلاق داشته و در تمام قوانین مجازاتی قابل رعایت است و ذکر مجدد آن لزومی نداشته است بلکه بعکس چنانچه مقنن در نظر داشته است که مواد اخیر رعایت نگردد لازم بود صریحاً ذکر میکرد

در قانون مجازات فرانسه ماده ۴۶۳ قانون مجازات و ۳۴۵ قانون آئین دادرسی کیفری ترتیبی مقرر داشته که در جانیات اعم از آنچه در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده و یا در قوانین بعدی ذکر شده باشد کیفیات مخففه قابل رعایت است بعبارت بهتر در امور جنائی ماده مزبور اطلاق دارد ولی در امور جناحه تا قبل از قانون ۱۹۲۸ کیفیات مخففه جز در مورد جناحه‌هایی که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده قابل رعایت نبود مگر آنکه در قانون بعدی صریحاً ذکر شود که ماده ۴۶۳ قانون مجازات قابل رعایت است و در اغلب قوانین بعدی رعایت این معنی شد مثل قانون ۱۸۳۲ ولی در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۲۸ ترتیبی اتخاذ گردید که دیگر این احاله و تصریح لازم نباشد و مقرر شد بعد از تصویب این قانون کیفیات مخففه نسبت بتمام جناحه‌ها در هر قانونی که باشد قابل انطباق است و برای جلوگیری از کثرت استفاده قضات اضافه شد در بعضی از جرائم مهم از قبیل چك بی محل و بالا بردن قیمتها و بازار سیاه استفاده از این کیفیات محدود گردد که خود این محدودیت مورد ایراد علمای حقوق جزا قرار گرفت و آنرا مخالف فردی بودن مجازات و رعایت حال مجرمین دانستند.

در مورد خلاف استفاده از کیفیات مخففه کاملاً محدود است و تنها در مواردی قابل اجرا و عمل است که قانون مجازات عمومی پیش بینی کرده باشد ( ماده ۴۸۳ قانون مجازات فرانسه ) و این ماده تا کنون اصلاح نشده است و بقوت خود باقی است

### ۴- شرایط مربوط به مجرم

در ادوار نخست برقراری و ایجاد این اختیار رعایت کیفیات مخففه تنها نسبت به مجرمین بیسابقه ممکن بود و در خصوص اشخاصیکه سابقه محکومیت داشتند (تکرار کنندگان جرم) و کسانیکه چندین جرم مرتکب شده اند (تعدد) کیفیات مخففه قابل رعایت نبوده است ولی امروزه اختیار قاضی تا حدی که ممکن بود برای رعایت حال مجرمین توسعه یافته و دادگاه میتواند در مورد تمام مجرمین اعم از مجرمین سابقه دار و یا بیسابقه در صورت وجود کیفیات مخففه مجازات را تخفیف دهد و بعبارت بهتر امروزه بین مجرمین اعم از مجرمین عادی که در دادگاههای عمومی تعقیب میشوند و یا مجرمینی که در دادگاههای اختصاصی تحت تعقیب قرار میگیرند و یا سابقه داران و بی سابقه گان تفاوتی موجود نیست.

در اینجا لازم بتذکار است که حضور و غیاب متهم برای رعایت کیفیات مخففه تفاوتی ندارد و چنانچه در پرونده اوضاع و احوال ایجاب تخفیف مجازات را بنماید دادگاه میتواند رعایت تخفیف را بکند.

در کشور فرانسه نیز این اصل جاری و مورد عمل است و چون در قوانین گذشته نسبت به جنایات هیئت منصفه هنگامیکه متهم حاضر نبود و خالت نمیکرد اختیار رعایت تخفیف در مورد متهمین غیابی بقضات دادگاه جنائی واگذار شده بود و چون در سال ۱۸۳۲ قانونی وضع گردید که در تمام دادرسیهای جنائی حضور هیئت منصفه لازم است اختیار تخفیف بیهت منصفه داده شد.

از تمام آنچه ذکر شد نباید این تصور حاصل شود که حتی در کشورهاییکه رعایت کیفیات مخففه تا حدودی الزامی است مقنن نمیتواند در موارد خاص و بعضی جرائم یا متهمین قاضی را از رعایت آن منع کند، چنانکه اخیراً قوانینی وضع شد که



اختیار رعایت کیفیات مخففه را در موارد تصفیه از قاضی سلب نمود.

تا قبل از تصویب ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی ( ۱۵ خرداد ۱۳۱۳ ) در ایران رعایت کیفیات مخففه نسبت بکسانی که سابقه محکومیت داشته و یا مرتکب چند جرم شده بودند قانونی نبود ولی با تصویب ماده مزبور اختیار تخفیف مجازات در مورد تکرار و تعدد هم بقاضی داده شد ماده مزبور مقرر میدارد « در مورد تکرار و تعدد و همچنین در کلیه مواردیکه مطابق قانون مجرم باید بحد اکثر مجازات محکوم شود هرگاه محکمه موجبات تخفیف مجازات را موجود بداند میتواند مرتکب را به کمتر از حد اکثر محکوم کند بدون آنکه بتواند مجازات را بکمتر از حد اقل تنزیل دهد و هرگاه مجازات مقرر بدون حداقل و اکثر باشد محکمه میتواند در مورد حکم اعدام و حبس دائم يك درجه و در سایر موارد فقط تا معادل یکربع از میزان جزای اصل عمل را تخفیف دهد ».

بطوریکه ملاحظه میشود مقنن در موارد فوق الذکر برای این اختیار حدودی قائل شده است .

اگرچه در ماده مزبور ذکر نشده است که آیا ابتدا باید مقررات مربوط به تکرار و تعدد را رعایت کرد و مجازات را تشدید نمود یا بعکس ابتدا تخفیف داد و سپس تشدید کرد موازین قضائی بدلائل ذیل تکلیف قاضی را معین مینماید و قاعده کلی آنست که ابتدا باید کیفیات مشدده رعایت شده و مجازات تشدید گردد و سپس در صورت وجود کیفیات مخففه قاضی رعایت تخفیف را بنماید زیرا منظور از تخفیف کاستن شدت مجازات است بنابراین ابتدا باید شدتهای قانونی در مجازات وجود پیدا کند تا طبق کیفیات مخففه از آن شدت کاسته شود بعلاوه رعایت ماده ۲۵ و کیفیات مشدده الزامی است و قاضی مجبور بر رعایت آن است در صورتیکه رعایت کیفیات مخففه ( در کشور ایران بعکس کشور فرانسه ) اختیاری است .

حال باید دید تلفیق مواد ۲۵ و ۴۵ مکرر در مجازات چه اثری مینماید.  
چون ماده ۴۵ مکرر شامل دو قسمت است در باره هر قسمت جداگانه بحث  
میگردد.

### ۵. هنگامیکه مجازات حد اکثر و حد اقل دارد

در این مورد طبق ماده ۴۵ مکرر دادگاه میتواند مجازات را تا حد اقل تنزل  
دهد بدون آنکه اختیار داشته باشد از حد اقل تنزل کند.  
حال اگر فرض شود شخصی که دارای يك سابقه محکومیت جزائی است مرتکب  
جرمی دیگر شود طبق ماده ۲۵ (بند ۱) مجازات او باید از حد اکثر مجازات جرمی  
که در مرتبه ثانی مرتکب شده است بیشتر باشد بدون آنکه از حد اکثر مجازات جرم  
اخیر بعلاوه نصف تجاوز کند.

بعنوان مثال ذکر میشود شخصی دارای محکومیت شش ماه حبس تأدیبی بود  
و پس از اتمام مجازات بعداً مرتکب جرمی شده است که منطبق با بند الف ماده ۲۰۹  
مجازات عمومی است که قانون مجازات او را از ۲ تا ۵ سال مقرر داشته. دادگاه  
ابتدا باید ماده ۲۵ قانون مجازات را رعایت کند و متهم را به بیش از ۵ سال محکوم  
نماید بدون آنکه بتواند از ۷/۵ سال (حد اکثر مجازات جرم اخیر بعلاوه نصف)  
تجاوز کند و چون اوضاع و احوال قضیه مقتضی تخفیف است دادگاه باید رعایت ماده  
۴۵ مکرر را بنماید و بر طبق ماده مزبور دادگاه اختیار دارد مجازات را از ۵ سال کمتر  
معین نماید ولی نمیتواند از ۲ سال تنزل کند.

آقای دکتر سمیعی در کتاب حقوق جزائی که مرقوم داشته اند مطالبی راجع  
بعد اکثر ذکر نموده اند که بنظر قابل توضیح میرسد باین شرح که در صورت رعایت  
ماده ۲۵ حد اقل و حد اکثر دیگری تشکیل میشود (۵ سال و ۷/۵ سال) که اگر حد  
اقل و حد اکثر را پس از جاری ساختن حکم تکرار بدانیم (۵ سال و ۷/۵ سال)

دادگاه طبق ماده ۴۵ نمیتواند از ۵ سال که حد اقل مجازات پس از رعایت ماده ۲۵ است تنزل کند و اضافه نموده اند که اگر بعکس حد اقل و حد اکثر را قبل از رعایت ماده ۲۵ در نظر بگیریم ( ۲ سال و ۵ سال) که قاضی اختیار داشته باشد مجازات را طبق ماده ۴۵ مکرر تا ۲ سال تنزل دهد دیگر مجالی برای در نظر گرفتن سابقه متهم و اجرای حکم تکرار جرم باقی نخواهد ماند و نتیجه میگیرند که در این مورد حد اقل را باید حد اقل مجازات جرم دوم قبل از جاری ساختن حکم تکرار جرم ( دوسال) و حد اکثر را حد اکثر جرم دوم پس از جاری ساختن حکم تکرار جرم حساب کرد و رویه محاکم نیز باین ترتیب است .

ولی استدلال اخیر با آنچه در متن ماده ۴۵ مکرر نوشته شده است تباین دارد و بخصوص با توجه باصل ( تفسیر محدود Interpretation restrictive ) نمی توان قانون مجازات را تفسیری کرد که بعید و دور باشد زیرا بنظر قطعی میرسد که منظور از کلمه حداکثر و حداقل مندرج در ماده ۴۵ مکرر حداکثر و حداقل مجازات جرم ثانی است و اینکه پس از رعایت ماده ۲۵ قانون مجازات حداقل و حداکثری ایجاد میشود مورد توجه مفسر نبوده است بنابراین بدادگاه چنین اختیاری داده نشده است که مجازات را بین ۲ سال و ۷ سال مقرر دارد بلکه مجبور است مجازات را بین ۲ سال و ۵ سال تعیین کند و بنظر میرسد چنانچه دادگاه با رعایت ماده ۴۵ مکرر مجازات را از پنج سال بیشتر مثلا ۵ سال و یک روز تعیین کند متخلف شناخته خواهد شد و این حکم در مراجع عالیتر ( دیوان کشور) موجب نقض است و اینکه مرقوم داشته اند ( دیگر مجالی برای در نظر گرفتن سابقه متهم و اجرای حکم تکرار جرم باقی نخواهد ماند ) نیز اشتباه است زیرا در اثر رعایت ماده ۲۵ است که اختیار تنزل از حداقل مجازات از قاضی سلب شده و چنانکه مورد از موارد تکرار نبود محکمه میتواند مجازات را بحبس تادیبی تا شش ماه تنزل دهد.

### هنگامیکه مجازات حداقل و حداکثر ندارد

در این نوع جرائم قسمت اخیر ماده ۴۵ تکلیف قاضی را معین نموده و مقرر میدارد :

« ... و هر گاه مجازات مقرر بدون حداقل و اکثر باشد محکمه میتواند در مورد حکم اعدام و حبس دائم یک درجه و در سایر موارد فقط تا معادل یک ربع از میزان جزای اصل عمل را تخفیف دهد »

بطوریکه ملاحظه میشود این قسمت از ماده ۴۵ مکرر خود شامل دو موضوع است الف- مجازات اعدام یا حبس دائم است. در این قسمت اغلب اتفاق می افتد دو کیفیات مشدده و مخفقه یکدیگر را خنثی مینمایند باین توضیح که اگر فرض شود متهم دو سابقه محکومیت داشته و مرتکب جرم سوئی شده است که مجازات مقرر در قانون حبس ابد با اعمال شاقه است، دادرس دادگاه موظف است با رعایت بند ۲ ماده ۲۵ قانون یک درجه مجازات را تشدید نماید و سپس با رعایت ماده ۴۵ مکرر میتواند یک درجه تخفیف دهد یعنی ابتدا بمجازات اعدام که درجه اشد مجازات حبس ابد است صعود کرده و سپس باز بحبس ابد نزول نماید و باین ترتیب ملاحظه میشود دو کیفیات فوق یکدیگر را خنثی نمودند.

در اینجا بی مناسبت نیست که یکی از نواقص ماده ۲۵ قانون مجازات را ذکر نمایم، بطوریکه خوانندگان توجه دارند بند ۱ ماده ۲۵ ناقص است زیرا این ماده مقرر نمیدارد که اگر شخصی دارای یک محکومیت باشد و مرتکب جرمی شود که مجازات آن در قانون حبس ابد است تکلیف قاضی برای رعایت ماده ۲۵ چیست .

ب- موضوع دیگر مندرج در ماده ۴۵ مکرر ( در موردی که مجازات بدون حداقل و اکثر است ) تلفیق دو ماده ۲۵ و ۴۵ مکرر نیز ایجاد اشکال مینماید زیرا

اگر فرض شود مجازات مقرر در قانون ۱۰ سال باشد و مرتکب سابقه محکومیت داشته باشد طبق قسمت اخیر ماده ۴۵ مکرر دادگاه فقط می تواند یک ربع از مجازات یعنی ۲ سال و ۶ شش ماه را تخفیف داده متهم را به ۷/۵ سال محکوم نماید در صورتیکه در مواردی که مجازات مقرر در قانون دارای حداقل و حداکثر است و حداقل آن سه سال و حداکثر ۱۰ سال میباشد و متهم سابقه محکومیت هم دارد دادگاه میتواند مجازات را تا سه سال تنزل دهد همچنین در مواردیکه طبق قانون مجرم باید بحد اکثر مجازات (۱۰ سال) محکوم شود (بعنوان مثال ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی با موجود بودن یکی از کیفیات مذکور در همان ماده) باز هم دادگاه اختیار دارد تا سه سال تنزل کند و بطوریکه مشهود است قسمت اخیر ماده ۴۵ مکرر منصفانه تنظیم نگردیده است و شاید بهمین سبب بوده است که عده ای تصور نموده اند منظور از جمله ( ... فقط تا معادل یک ربع از میزان جزای اصل عمل را تخفیف دهد) آنست که دادگاه میتواند سه ربع از مجازات را تخفیف دهد در صورتیکه واضح و مبهرهن است نظر محقن برخلاف تفسیر اخیر بوده است.

#### ۴- شرایط مربوط به دادگاه

ثابت و مسلم است که اختیار تخفیف را تنها دادگاه دارد ولی منظور از ذکر این قسمت آن است که در بعضی از کشورها مانند بلژیک قانون بقضات استنطاق یعنی بازپرس و دادستان اختیار داده است که در صورت وجود کیفیات مخفقه رعایت تخفیف را نموده و متهم را در عوض آنکه بدادگاه جنائی اعزام دارند بدادگاه جنحه بفرستند (اینکه آیا اعزام متهم بدادگاه جنحه در عوض دادگاه جنائی که با حضور هیئت منصفه تشکیل میشود خود تخفیفی است یاخیر از موضوع بحث این مقاله خارج است) ولی این اختیار در سایر کشورها از جمله ایران و فرانسه بقضات استنطاق و پار که داده نشده است.

اختیار استفاده از کیفیات مخففه تنها اختصاص بدادگاههای عمومی ندارد بلکه قضاات محاکم اختصاصی نیز میتوانند از این اختیار استفاده کرده و مجازات مقرر را تنزل دهند.

نباید تصور کرد که مقنن نمی تواند در مواردی خاص و یابطور کلی در اغلب موارد و جرائم این اختیار را از قضاات سلب نماید چنانکه در کشور فرانسه پس از اشغال آلمانها قوانینی وضع گردید که قضاات بعضی از محاکم اختصاصی (دادگاه اختصاصی برای محاکمه کمونیستها و آناشیسستها قانون ۱۴ اوت ۱۹۴۱ و دادگاه دولتی قانون ۷ سپتامبر ۱۹۴۱) نمی توانند درباره مجرمین رعایت کیفیات مخففه را نموده و مجازات را تخفیف دهند ولی امروزه این قوانین فسخ شده است.

درخاتمه برای آنکه خوانندگان محترم بیش از آنچه در متن مقاله اشاره شد از قانون مجازات فرانسه اطلاع حاصل نمایند عین ماده ۴۶۳ را ترجمه و توضیحات مختصری نیز داده میشود

ماده ۴۶۳ قانون مجازات فرانسه اصلاحی در ۱۳ مه ۱۸۶۳

«مجازاتهای مقرر در قانون نسبت باشخصی که هیئت منصفه کیفیات مخففه را موجود بدانند بشرح ذیل تخفیف داده میشود :

«اگر مجازات مقرر اعدام باشد حبس ابد بااعمال شاقه یا حبس موقت بااعمال شاقه

«اگر مجازات حبس ابد بااعمال شاقه باشد حبس موقت بااعمال شاقه و یا بحبس

مجرد در خارج از کشور (Reclusion)

اگر مجازات مقرر زندانی دائمی در یکی از قلاع خارج کشور - Deportation

dans une enceinte fortifiée که پس از لغو مجازات اعدام نسبت بمحکومین

سیاسی جانشین آن شد و یک مجازات سیاسی است) باشد زندانی موقت در خارج

از کشور و یا حبس مجرد ولی در جرائم مواد ۹۶ و ۹۷ قانون مجازات (جنایات برضد

امنیت داخلی مملکت و یا تشکیل دسته یا جمعیتی برای بهم زدن نظم عمومی و یا ارتکاب جنایات) دادگاه نمیتواند حبس مجرد را اعلام نماید.

« اگر مجازات زندانی موقت در خارج کشور باشد مجازات حبس مجرد و یا تبعید .

اگر مجازات زندانی موقت با اعمال شاقه باشد حبس مجرد در خارج از کشور و یا مجازات مقرر در ماده ۴۰۱ قانون مجازات (راجع بسرقت عادی که مجازات آن از يك تا پنج سال حبس تادیبی است) بدون آنکه بتواند مجازات را از ۲ سال کمتر معین نماید .

« اگر مجازات حبس مجرد در خارج از کشور و یا حبس مجرد در داخل مملکت و یا تبعید و یا محرومیت از حقوق اجتماعی باشد مجازات مقرر در ماده ۴۰۱ بدون آنکه دادگاه بتواند از يك سال تنزل کند .

« در مواردیکه قانون مقرر نماید مجرم باید بحد اکثر مجازات تریبی محکوم شود در صورت وجود کیفیات مخففه دادگاه می تواند بحد اقل مجازات مقرر و یا حتی مجازات یکدرجه پایین تر را اعلام نماید .

« جز در مواردیکه قانون ترتیب دیگری را مقرر داشته در تمام مواردیکه مجازات حبس تادیبی و یا جریمه نقدی باشد در صورت وجود کیفیات مخففه دادگاههای جنحه اجازه دارند، حتی در مورد تکرار جرم، مجازات را بکمتر از یازده روز و جریمه را به ۶ هزار فرانک یا کمتر تنزل دهند .

« همچنین دادگاههای جنحه می توانند بهر يك از این دو مجازات رای داده و یا مجازات نقدی را جانشین زندان نمایند ولی در هر حال نمی توانند بکمتر از مجازات خلاف تنزل کنند .

(در تمام مواردیکه قانون تنها مجازات زندان را ذکر نموده چنانچه دادگاه

متهم را بمجازات نقدی محکوم کند حداکثر مبلغ جریمه نمی تواند از ۵۰۰/۰۰۰ فرانک بیشتر باشد «

بنابر آنچه ترجمه متن ماده ۶۳ نشان میدهد در امور جنائی مجازات طبق نظر هیئت منصفه و اعضاء دادگاه متقماً يك یا دو درجه تخفیف داده میشود و باید اضافه کرد که در صورت وجود کیفیات مخففه دادگاه اجبار دارد مجازات را يك درجه تخفیف دهد و قانون تخفیف درجه دوم را با اختیار دادگاه گذاشته است. بر این اصل کلی در قانون فرانسه سه استثناء موجود است که دادگاه نمی تواند دو درجه تخفیف مقرر دارد.

۱- در موردیکه قانون حداکثر مجازات را مقرر نموده باشد که در این مورد تخفیف يك درجه نزول تا حداقل همان مجازات است و این تخفیف اجباری است و تخفیف اختیاری نزول بدرجه بعدی است بعنوان مثال ذکر میشود که طبق ماده ۱۴۰ قانون مجازات فرانسه در مورد جعل و ساختن تمبر، علامات دولتی، سکه و غیره مجازات متهم حداکثر حبس موقت با اعمال شاقه که طبق ماده ۱۹ قانون مجازات حداقل آن پنج و حداکثر ۲۰ سال است معین شده است در این مورد چنانکه دادگاه کیفیات مخففه را موجود بداند اجباراً مجازات را باید بحداقل (۵ سال) و اختیاریاً بمجازات بعد از آن طبق ماده ۶۳ یعنی حبس مجرد در خارج از کشور تنزل دهد.

۲- بطوریکه ذکر شد پس از لغو مجازات اعدام درباره محکومین سیاسی مجازات حبس دائم در خارج از کشور جانشین آن گردید و در مورد جرائم منطبق با مواد ۹۶ و ۹۷ قانون مجازات که سابقاً ذکر شد دادگاه نمی تواند بارعایت کیفیات مخففه مجازات را دو درجه تخفیف داده و بحبس مجرد برساند بلکه باید يك درجه تخفیف (زندانی موقت در خارج از کشور) اکتفا کند.

۳- در تمام جرائم سیاسی تبعید بمحل مخصوص و معین خارج از کشور نمیتواند درجه اول تخفیف محسوب گردد و همچنین محرومیت از حقوق اجتماعی نیز ممکن



نیست درجه اول و درجه دوم تخفیف بحساب آید بعنوان توضیح مثالی ذکر می‌گردد. اگر شخصی مرتکب جرمی شود که مجازات آن زندانی در یک نقطه معین خارج از کشور باشد در صورت وجود کیفیات مخففه دادگاه نمی‌تواند تبعید بمحل مخصوص خارج از کشور را که طبق ماده ۷ قانون مجازات در نردبام مجازاتها بعد از مجازات ( زندانی در خارج از کشور) قرار دارد بعنوان درجه اول تخفیف محسوب و بمجازات بعد از آن یعنی محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم نماید بلکه چون محرومیت از حقوق اجتماعی نیز ممکن نیست در ردیف درجه اول و نه در درجه دوم تخفیف قرار بگیرد مجازات بعد از این دو درجه یعنی زندان تادیبی باید مقرر گردد.

نباید تصور کرد که تخفیف مجازات طبیعت جرم را تغییر داده و آنرا بر حسب مثال جنحه مینماید اهمیت این بحث از اینجا ناشی میشود که در مورد معاذیر قانونی جرم طبیعت خود را تغییر میدهد و اگر مجازات طی قانون مجازات جنحه شود جرم نیز جنحه خواهد شد

این نکته را ناگفته نگذاریم که در امور جنحه دادگاه اجبار ندارد کیفیات مخففه را در نظر گرفته و مجازات را تخفیف دهد و در مورد جنحه قانون مجازات فرانسه و قانون مجازات ایران اختلافی ندارند.